

منهای فوتبال

تابلوی ورود ممنوع این بار برای لیلا رجبی



بعد از راه ندادن خواهران منصوریان به رادیو ورزش به خاطر پوشیدن لباس ورزشی، حالا نوبت لیلا رجبی است که تابلوی ورود ممنوع را مقابل خود ببیند. لیلا رجبی که چند سالی است تابعیت ایران را دارد، مدال‌های بسیار زیادی را برای دوومیدانی ایران در پرتاب وزنه به دست آورده است. بخش عمده‌ای از تمرینات و زحمات لیلا در مجموعه ورزشی آفتاب انقلاب رقم خورده بود. جایی که حالا بیشترین خاطرات را برای او دارد و جای جایش تمرین‌های سخت و فشرده را برای او تداعی می‌کند. زنده کردن این خاطرات باعث شد ر جبی عزم رفتن به باشگاه انقلاب را کند. رفتنی که بعدش چیزی جز پشیمانی نداشت. چراکه اجازه ورود به او ندادند تا قهرمان سابق دوومیدانی با بغض از راهی که رفته بود، باز گردد. این برخورد آنقدر برای رجبی ناراحت‌کننده بود که نتوانست آن را با هوادارانش در اینستاگرام در میان نگذارد. او برای اولین بار داشت به این شکل گلایه می‌کرد. گلایه‌هایی که برای نخستین بار او را وادار به قیاس ایران و بلاروس کرد. در بخشی از دل‌نوشته لیلا در اینستاگرام آمده: «نگار که من را نمی‌شناختند، تلاش‌های سال‌های گذشته من را در این مجموعه ندیده بودند و انگار که من ایرانی نبودم... من حتی زمانی که زیر پرچم ایران در مسابقات مختلف شرکت می‌کردم و هم زمانی که برای اردوی ورزشی به بلاروس می‌رفتم با وجودی که تابعیتم را عوض کرده بودم باز آنجا احترام بر خودار بودم و از همه امکانات‌شان استفاده می‌کردم.» صحبت‌های لیلا واکنش‌های بسیاری را هم به دنبال داشت. خیلی از دوومیدانی‌کاران و حتی آناهیتا همتی که فعالیت زیادی برای حمایت از بانوان داشتند، برای لیلا کامنت گذاشتند تا ضمن همدردی با او، از طرف بانیان این اتفاق از قهرمان سابق دوومیدانی ایران عذرخواهی کنند.

قهرمانی خاتم با ستاره‌هایش

منحل شدن تیم بانک سرمایه و به دنبال آن حضور تیم خاتم اردکان به جای این تیم در مسابقات جام باشگاه‌های آسیا با خوشحالی برای یزدی‌ها به پایان رسید. آنها در حالی به عنوان تیم نایب‌قهرمانی راهی این میدانی آسیایی شدند که پرونده رقابت‌ها را با کسب عنوان قهرمانی بستند تا بر فراز آسیا بایستند. آنها در پنجمین و آخرین مسابقه خود برابر آترو قزاقستان قرار گرفتند و موفق شدند با نتیجه سه بر صفر حریف خود را شکست دهند. باشگاه خاتم اردکان در مرحله مقدماتی در گروه A با نمایندگان قزاقستان و ژاپن هم‌گروه بود و توانست این دو حریف را شکست دهد. نماینده ایران در سومین بازی خود توانست از سد نماینده تایلند عبور کند و در چهارمین مسابقه هم نماینده تایلند را شکست داد. این در حالی است که برخلاف ادوار گذشته بازتاب نتایج و مصاحبه‌های تیم اعزامی با داشتن ستاره‌هایی مثل مهدی مهدوی، عادل غلامی، حمزه زرینی و ... بسیار ناچیز بود و آنها در کمترین توجه رسانه‌ای مطلوبانه قهرمان شدند. این مورد باعث شد بارها سایت فدراسیون مورد انتقاد قرار بگیرد. ناراحت‌کننده‌تر اما صحبت‌های محسن ملت مدیرعامل این باشگاه بود. او در گفت‌وگویی از حضور قطعی‌شان در جام باشگاه‌های جهان خبر داد اما صحبت‌های بعدی مدیرعامل نشان می‌دهد که خاتم با اینکه عنوان قهرمانی آسیا را به دست آورده چندان قامت یک تیم قهرمان را ندارد. خاتمی‌ها قصد دارند با سرمایه‌گذاری روی جوان‌ها و والیبال پایه چند سالی را با تیمی بومی و قدرتمند در لیگ حضور پیدا کنند. این موضوع با انحلال بانک سرمایه‌قهرمان فصل پیش لیگ والیبال چندان تفاوتی ندارد چرا که از این پس خاتم نام و نشانی از گذشته قهرمانی خود نخواهد داشت. ضمن اینکه مدتی خبر جدی از انحلال کامل این تیم شنیده می‌شود که حالا مدیران به نزول تیم در حد حضور بازیکنان جوان به جای انحلال برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها رضایت دادند.

نگاهی به سرنوشت آقای گل‌های یک دهه اخیر لیگ هلند به بهانه انتقال جهانبخش به فوتبال جزیره

جدایی با کفش طلا



جای داده بود، علاقه‌مندان به آلکمار نیز، همین‌قدر شیفته‌اش شدند. شیفته پسرک محبوب و خجالتی فوتبال ایران. شیفته علیرضا. اولین آقای گل آسیایی تاریخ اروپا. ستاره‌ای که بعد از هت‌تریک در بازی آخر، گروه زبادی از هوادارها برای تشویق انفرادی‌اش در ورزشگاه آلکمار باقی ماندند. آنها در طول فصل هیچ عنوانی به دست نیاورده بودند و کفش طلای جهانبخش را جشن می‌گرفتند. درست در لحظه‌ای که مرد شماره ۷ آلکمار آماده ترک زمین می‌شد، چند هوادار او را صدا زدند تا با یک آغوش، به سمت باشگاهی بزرگ‌تر بدرقه‌اش کنند. درست مثل همان اتفاقی که در داماش و نایمخن نیز رخ داده بود. علیرضا با پاک پر، به دنبال راه پر و پیچ و خمش رفت و با برایتون قرارداد امضا کرد. در اروپا هنوز او را به اندازه توانایی‌هایش ستایش نمی‌کنند. شاید بخشی از این اتفاق، نتیجه شخصیت آرام و بی‌هیاهوی او باشد و بخش دیگر، نتیجه نمایش‌های نه‌چندان خارق‌العاده این بازیکن در تیم ملی. با این وجود فوتبال هلند همیشه دروازه

آرپاطری

اولین آقای گل آسیایی تاریخ اروپا. ستاره‌ای که بعد از هت‌تریک در بازی آخر، گروه زبادی از هوادارها برای تشویق انفرادی‌اش در ورزشگاه آلکمار باقی‌ماندند

ورود فوتبالیست‌ها به لیگ‌های معتبر دنیا بوده و این اتفاق خیلی زود برای پسر درخشان آلکمار نیز رخ داد. حالا که جهانبخش به لیگ جزیره راه پیدا کرده شاید مرور سرنوشت آقای گل‌های یک دهه اخیر فوتبال هلند جالب توجه باشد. این عنوان در تاریخ اردیویزی، به ستاره‌های بزرگی مثل کروین، فن‌باستن، فن‌نیستلروی، دنیس برگکمپ، روماریو و رونالدو رسیده است.

۲۰۰۸-۲۰۰۷

(کلاوس یان هونتلار)

ستاره آژاکس که برای دومین بار آقای گل هلند لقب گرفته بود، در یک انتقال رویایی با ۲۰ میلیون یورو راهی

toseeirani.ir

نوع مطلب

بونی به محض آقای گلی در فوتبال هلند، راهی لیگ جزیره شد و با سوانزی قرارداد امضا کرد. به ثمر رساندن ۳۴ گل در ۷۰ بازی برای سوانزی، کافی بود تا منچستر سیتی برای خرید بونی اقدام کند

قرمزها آب خورد اما آنها برای فروش این بازیکن به بارسا، ۸۸ میلیون یورو دریافت کردند. او حالا در بارسا یکی از بهترین مهاجمان دنیای فوتبال است. سوارز به عنوان یکی از بهترین محصولات تاریخ اردیویزی شناخته می‌شود.

۲۰۱۰-۲۰۱۱

(بیورن ولکمینکس)

مهاجم بلژیکی نایمخن، یکی از معدود صاحبان کفش طلای فوتبال هلند بود که به لیگ‌های معتبر و درجه یک اروپایی راه پیدا نکرد. او بعد از درخشش در ان‌ای‌سی به بروژ بلژیک ملحق شد و مدتی نیز در باشگاه‌های ترکیه‌ای به میدان رفت. او این روزها در لیگ کشورش بلژیک بازی می‌کند. این بازیکن در سال ۲۰۱۱ با ۲۳ گل بهترین گل‌زن اردیویزی شده بود.

۲۰۱۲-۲۰۱۱

(باس دوست)

باس دوست با ۲۲ گل در ۳۴ بازی، آقای گلی را در لباس هیرنفین هلند به دست آورد و تابستان همان سال به بوندس لیگا رفت تا برای ولفسبورگ توپ بزند. این مهاجم هلندی در طول چهار سال یکی از اصلی‌ترین دلایل موفقیت‌های ولفسبورگ بود و در همین دوران به تیم ملی کشورش نیز دعوت شد. او بعد از ولسفورگ به اسپورتینگ لیسهون رفت و هنوز هم برای همین تیم بازی می‌کند.

۲۰۱۳-۲۰۱۲

(ولفگرد بونی)

او دقیقاً همان مهاجمی بود که باشگاه‌های انگلیسی می‌پسندند. تنومند، سمج، سختکوش و گل‌زن. بونی به محض آقای گلی در فوتبال هلند، راهی لیگ جزیره شد و با سوانزی قرارداد امضا کرد. به ثمر رساندن ۳۴ گل در ۷۰ بازی برای سوانزی، کافی بود تا منچستر سیتی

آرپاطری

برای خرید بونی اقدام کند. دوران حضور این بازیکن در سیتی اما چندان درخشان نبود. این بازیکن اهل ساحل عاج مدتی به صورت قرضی برای استوک بازی کرد و دوباره به سوانزی برگشت.

۲۰۱۴-۲۰۱۳

(آلفر توفینبوگاسون)

تعقیب‌کنندگان تیم ملی ایسلند، این بازیکن را به خوبی می‌شناستند. او درست بعد از به دست آوردن کفش طلای لیگ فوتبال هلند با ۲۹ گل در سال ۲۰۰۴، با پیشنهاد هفت و نیم میلیون یورویی رتال سوسیهداد مواجه شد و فوتبالش را در لالیگا ادامه داد. ستاره این روزهای باشگاه آگزبورگ در بوندس لیگا، برای المپیاکوس نیز به صورت قرضی بازی کرده است.

۲۰۱۵-۲۰۱۴

(مفیس دپای)

۲۲ گل زده، کافی بود تا مفیس با پیراهن پی اس وی عنوان آقای گلی اردیویزی را به دست بیاورد. او پدیده ارزشمندتری رانیز تصاحب کرد و آن، پیراهن شماره ۷ منچستر یونایتد بود. خیلی‌ها تصور می‌کردند مفیس، رونالدوی بعدی است اما این بازیکن در اول‌ترافورد متقاعدکننده‌شان داد و از یونایتد کنار گذاشته شده است. دپای حالا در لیون احیا شده است.

۲۰۱۵-۲۰۱۶

(وینسنت یانسن)

شاید اگر علیرضا جهانبخش هم مثل وینسنت یانسن هلندی بود، رسانه‌های این کشور به همان اندازه برایش سروصدا به راه می‌انداختند. وینسنت به کمک پاس گل‌های جادویی علیرضا، آقای گل لیگ هلند شد و مستقیماً به تاتنهام هاتسپرز پیوست. عملکرد او در تیم پوچتینو اما درخشان نبود و تاتنهامی‌ها این بازیکن را به فترباچهج ترکیه تحویل دادند.

۲۰۱۷-۲۰۱۶

(نیکولای یورگنسن)

درست مثل این فصل، آقای گل فصل گذشته لیگ هلند نیز با ۲۱ گل زده به این عنوان دست پیدا کرد. نیکولای یورگنسن دانمارکی بعد از آقای گلش نیز همچنان در هلند باقی‌مانده و در این فصل نیز برای فاینورد به میدان رفته است. او سابقه بازی در لورلرکوزن را نیز در کارنامه‌اش دارد.

اتفاقی عجیب در آستانه بازی‌های آسیایی

فدراسیون وزنه برداری برگ برنده‌اش را سوزاند

بسیاری از ورزشکاران که صرف حضور در یک رویداد را موفقیت قلمداد می‌کنند، قصد ندارد کارنامه ورزشی‌اش را با شکست یا رکوردهایی که از او دور هستند پر کند. عسگری ابتدا گفت در ۱۴ روز نمی‌تواند کاری از پیش ببرد و هیچ‌کس نباید از او توقعی داشته باشد. چون بعد از اینکه به تیم جاکارتا راهش ندادند، انگیزه‌اش را برای کسب مدال خوش‌رنگ از دست داده است. عسگری گفت که دوست ندارد توریست باشد و زمانی تلاش‌هایش برای مدال آوری ارزشمند است که او به رکوردهایش نزدیک باشد. همین شد که عسگری بعد از یک روز فکر قید حضور در بازی‌های آسیایی را زد تا به این شکل یکی از مدال‌های وزنه‌برداری ایران ببرد. اگر فدراسیون در انتخابی تیم جانب حق را رعایت می‌کرد، الان هم کیانوش رستمی را به عنوان ورزشکار محبوبش در تیم داشت و هم شانس مسلم مدال طلایش را از دست نمی‌داد. در فدراسیون علی مرادی بارها شاهد تصمیمات عجیب بودیم و بنابراین الان نمی‌توان علامت تعجب بزرگی مقابل این ماجرا گذاشت. کاظمی‌نژاد دبیر فدراسیون از تدبیر فدراسیون و حضور عسگری به عنوان نفر ذخیره حرف زده بود، اما این ماجرا چیزی جز بی‌تدبیری و سوزاندن برگ برنده به دست خود فدراسیون نیست.

زمانی که شنیده شد مجید عسگری می‌تواند به عنوان بار هشتم، تیم ملی وزنه‌برداری را در بازی‌های آسیایی همراهی کند، همه خوشحال شدند به جز خودش!! او در انتخابی تیم ملی وزنه‌هایی را بالای سر برد که بسیار به مدال جاکارتا در سبک وزن نزدیک بود اما فدراسیون در اقدامی که چندان تعجب‌برانگیز نبود، کیانوش رستمی را با وجود اوت کردن‌هایش وارد تیم کرد تا عسگری جامانده بزرگ این تیم باشد. فدراسیون در حالی که شادمان از کشف اتفاقی‌اش بود، عسگری در غم فرصت از دست رفته‌اش ساعت می‌گذراند.

فدراسیون وزنه‌برداری اعلام کرد در حال سرک کشیدن به سایت مسابقات متوجه این موضوع شده و خیلی زود برای رساندن عسگری به تیم اعزامی اقدام کرده است. اما صحبت‌های عسگری بعد از این خبر یک بار دیگر بی‌درایتی فدراسیون وزنه‌برداری را به نمایش گذاشت. عسگری گفته بود که از یک ماه پیش می‌دانسته قرار است وزن او به مسابقات اضافه شود و حتی رقیبانش خیلی با انگیزه تمرین می‌کنند و فیلم‌های‌شان را هم در فضای مجازی به اشتراک می‌گذارند. او این موضوع را با فدراسیون هم در میان می‌گذازد و تنها چیزی که از مسوولان دید بی‌توجهی بود. عسگری اما نگاهی حرفه‌ای‌تر در دنیای ورزش قهرمانی دارد. او برخلاف